

## تقسیم کار در اجرایی‌سازی سیاست‌های ابلاغی ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور (مطالعه موردی سیاست‌های تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی (با رعایت ملاحظات آمایش سرزمین))

محمدسعید تسلیمی<sup>۱\*</sup>، خلیل نوروزی<sup>۲</sup>، مهدی ثنایی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استاد گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران و کارشناس ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تهران

### چکیده

سیاست‌های ابلاغی شورای عالی انقلاب فرهنگی و ستادهای ذیل آن همواره با چالش اجرایی‌نشدن همراه بوده‌اند. این پژوهش در تلاش است الگویی مناسب و اجرایی در رابطه با نحوه راهبری اجرایی‌سازی مصوبات ابلاغی آن شورا ارائه دهد. پژوهشگران، با باور به اینکه روش بکار گرفته‌شده در این پژوهش قابل تجویز در فرایند اجرایی‌سازی سایر مصوبات ابلاغی نیز است، کوشیده‌اند با استفاده از روش اقدام‌پژوهی مشارکتی و در زمینه اصلی اجرایی‌سازی مصوبه تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی (با رعایت ملاحظات آمایش سرزمین)، ابلاغی ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، نسبت به این امر اقدام کنند. با اجرای دوره‌ای اقدام‌پژوهی مشارکتی در پنج دور، کارویژه‌های مجریان اصلی و همکار در سیاست‌های ۱۲ گانه مصوبه مذکور، با تکیه بر اجماع همه مجریان، مشخص شد. بنابر تقسیم کار مورد اجماع، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مسئولیت اصلی اجرای سیاست‌های ۱۲ گانه تنظیم ظرفیت را در مؤسسات آموزش عالی زیر نظر خود دارند. همچنین، با توجه به تعداد بالای دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اجماع شد که معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و جهاد دانشگاهی نیز در اجرایی‌کردن سیاست‌های شماره یک و هفت، همکار آن وزارتخانه باشند.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌های ابلاغی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه جامع علمی، تنظیم ظرفیت، اقدام‌پژوهی مشارکتی.

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به دستور امام خمینی<sup>(ع)</sup>، در تاریخ ۵۹/۰۳/۲۳ تحت عنوان «ستاد انقلاب اسلامی» تأسیس شد و با همین عنوان تا نیمه دوم سال ۱۳۶۲ فعالیت کرد و با پیشنهاد رئیس‌جمهور وقت آن ستاد ترمیم و تکمیل شد و با دامنه مسئولیت‌های دقیق‌تر و وسیع‌تر به فعالیت‌های خود ادامه داد.<sup>۱</sup> چندی بعد و در تاریخ ۶۳/۰۹/۱۹، فرمان امام خمینی<sup>(ع)</sup> مبنی بر عضویت رؤسای سه قوه در ستاد سابق و ارتقای آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر شد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی و تمامی ستادهای ذیل آن همواره با نوعی دوگانگی ظاهری مواجه‌اند. از طرفی، قانون اساسی دلالت بر «قانون نبودن» مصوبات ابلاغی آن شورا دارد و از طرف دیگر تأکید رهبری از همان سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی بر «لازم‌الاجرا بودن مصوبات آن» و «مانند قانون بودن» مصوبات مذکور بوده است. هرچند، صرف حضور رئیس‌جمهور و وزرای ایشان و رئیس قوه مقننه در این شورا باید یک ضامن اجرایی برای مصوبات آن باشد،<sup>۲</sup> اما گویی هنوز هم این

شورا نتوانسته است خود را در ساختارهای واقعی تصمیم‌گیر کشور تثبیت کند و نقش‌آفرینی نمایشی را برعهده گرفته است. اغلب در اذهان عمومی و حتی جامعه خبرگانی پذیرفته شده است که شورای عالی انقلاب فرهنگی فاقد خروجی مؤثر و تأثیرگذار در فرایندهای کشور است. این تلقی از ناکارآمدی باعث شده است که عموم مردم، شورا را با برخی از کارویژه‌های بسیار حاشیه‌ای آن، نظیر تأیید صلاحیت رؤسای دانشگاه‌ها، شناسایی کنند. این در حالی است که در بند پنجم حکم اخیر، مقام معظم رهبری به تاریخ ۹۳/۰۷/۲۶، در تفیذ احکام اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایشان از فرایندهای اجرایی‌سازی نقشه جامع علمی کشور تقدیر فرمودند.<sup>۳</sup> این تقدیر، می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که چه‌بسا فرایندهای اجرایی‌سازی نقشه جامع علمی کشور که توسط ستاد راهبری اجرایی‌سازی نقشه مذکور پیگیری می‌شود، بتواند

---

برای قانون‌گذاری — آنجایی که احتیاج به قانون‌گذاری است — و وزرای محترم و مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط، باید به معنای ضمانت اجرا باشد.

۳. متن بند پنجم: پیگیری جدی پیشرفت و شتاب حرکت علمی و فناوری کشور یکی از اساسی‌ترین اولویت‌های کشور است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در آن نقش جدی دارد. بحمدالله، با تصویب و ابلاغ نقشه جامع علمی کشور، حوزه علم و فناوری نقشه راه خود را یافته، ستاد راهبری نقشه جامع علمی تشکیل شده و حرکت در آن مسیر آغاز گردید و تاکنون آثار و دستاوردهای خوبی هم در پی داشته است. لازم است این مسیر با جدیت و اهتمام بیشتری به‌ویژه از سوی مسئولان در قوای سه‌گانه و خصوصاً دولت محترم دنبال شود. شتاب رشد علمی کشور نباید به هیچ بهانه‌ای حتی اندکی کاهش یابد، بلکه باید روزبه‌روز بر آن افزوده شود و شورا نیز نقش خود را در نظارت و پایش و راهبری آن به‌صورت جدی و فعال ایفا نماید.

---

۱. پیام امام خمینی<sup>(ع)</sup> مورخ ۶۲/۰۶/۰۸: امید است با ترمیم ستاد محترم و کوشش دانشجویان عزیز و متعهد و هماهنگی اساتید محترم و تلاش تمامی دست‌اندرکاران مؤمن و پشتیبانی ملت معظم، این پایگاه اسلامی - ملی، که سرنوشت کشور در آتیه دور و نزدیک به آن پیوستگی دارد، با استقلال و شایستگی به خدمت خود ادامه دهد.

۲. بیانات مقام معظم رهبری دامت عزه در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۹۲/۰۹/۱۹: مسئله سوم مسئله ضمانت اجراست؛ مصوبات اینجا بایستی اجرا بشود؛ حالا سازوکاری برای ضمانت اجرا تدوین می‌کنید، فیها ونعمه، اگر فرض کنیم که یک سازوکار خاصی هم برای ضمانت اجرای مصوبات اینجا تدوین نمی‌شود، خود حضور رئیس‌جمهور و رئیس قوه مقننه

## ۱-۱- تأملی در جایگاه حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی

قانون اساسی حق قانون‌گذاری را تنها برای مجلس شورای اسلامی محفوظ نگاه داشته است. قانون مذکور، بنا بر اصل ۱۱۰، خود مقام رهبری را، که ضامن اسلامیت و بقای جمهوریت نظام است، مافوق هر دستگاه و نهاد دیگر در هر امر مربوط به جامعه مسلمین کرده است.<sup>۱</sup> بنابراین، حتی در مباحث مربوط به قانون‌گذاری در کشورمان، جز با تأیید قوانین پیشنهادی مجلس توسط مقام رهبری، اجرایی کردن آن قوانین فاقد اعتبار است. سازوکار لازم برای تأیید قوانین پیشنهادی مجلس با نهاد «شورای نگهبان قانون اساسی»، که دارای فقهایی است که وکالت تأیید یا عدم تأیید قوانین پیشنهادی مجلس را از جانب مقام رهبری دارند، پیش‌بینی شده است.

نهادهایی مانند دادگاه ویژه روحانیت و مجمع تشخیص مصلحت نظام (تا قبل از نهادینه شدن آن در قانون اساسی، در بازنگری سال ۱۳۶۸) و شورای عالی

در اجرایی‌سازی سایر اسناد ملی، نظیر نقشه مهندسی فرهنگی و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مانند آن به‌کار گرفته شود.

نقشه جامع علمی کشور به عنوان سند بالادستی، مشخص‌کننده چشم‌انداز و افق علم و فناوری، اولویت‌های علم و فناوری و راهبردها و اقدامات کلان برای تحقق اهداف در حوزه‌های اولویت‌دار است. برای تحقق اهداف علم و فناوری، مشارکت فعالانه، هم‌راستا و هدفمند دستگاه‌ها لازم و ضروری است. اقدامات ۲۲۴ گانه مطرح در فصل چهارم نقشه جامع علمی کشور، تحت عنوان «راهبردها و اقدامات ملی»، اغلب برای اجرایی شدن نیازمند تفسیر و سیاست‌گذاری هستند. اما سیاست‌ها بعد از تدوین، تصویب و ابلاغ جهت اجرایی‌سازی نیز با بدفهمی توسط مجریان روبه‌رو می‌شوند و یا مجریان در مقام اجرا اهمیت چندانی به مصوبات نداده و خود را ملزم به انجام آن نمی‌دانند؛ تعداد انگشت‌شمار سیاست‌های ابلاغی اجرا شده یا در فرایند اجرا مؤید همین مطلب است.

با توجه دقیق‌تر به این مسئله به‌نظر می‌رسد همراهی نکردن مجریان اصلی و همکار معین شده، در هر سیاست ابلاغی، در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری یکی از مهمترین ریشه‌های آن است. نبود مشارکت دستگاه‌های مرتبط سبب بی‌اعتمادی و مقاومت آنان در برابر تغییرات ناشی از اجرای آن سیاست‌هاست. این پژوهش در تلاش است که به ضرورت مشارکت واقعی مجریان در تمامی مراحل اجرایی‌سازی مصوبات اشاره کرده و با یک نمونه عملی راهکار مناسب اجرایی‌سازی مصوبات نقشه جامع علمی کشور را با اتکای به روش «اقدام‌پژوهی مشارکتی» معرفی کند.

۱. منازعه‌ای که در باب اختیارات مقام رهبری در قانون اساسی است، اساساً در منازعه‌ای ریشه دارد که تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و حتی بعد از آن، بین علمای شیعه نسبت به مقبیده یا مطلقه بودن ولایت غیر حضرت حجت‌بن‌الحسن العسکری علیه‌السلام جریان داشته است. در اصل اینکه زعامت بهتر است در دست عالمان دین، که حلال و حرام خدا را بهتر از دیگران تشخیص می‌دهند، باشد هیچ اختلافی وجود ندارد؛ چراکه قطعاً خداوند راضی نیست که حلالی در جامعه حرام شود و حرامی به جای حلال معرفی شود. به فرض که اصلاً هیچ دلیلی فقهی و روایی وجود نداشته باشد که باید علمای دین و راویان احادیث پیامبر اسلام و اهل بیت او علیهم‌السلام زعامت و ریاست جامعه را به دست بگیرند، باز هم عقل فرمان می‌دهد که باید، برای جاری شدن احکام خدا در جامعه، دین‌شناس‌ترین مردم که توانایی اداره جامعه را داشته باشد و از شجاعت کافی در این‌باره برخوردار باشد حاکمیت را در دست بگیرد.

عمل، اجرایی‌شدن مصوبات آنها و به‌ویژه شوای عالی انقلاب فرهنگی با این چالش روبه‌رو می‌شود. در مورد مصوبات شورا و ستادهای ذیل آن، نظیر ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، دو حالت متصور است: اول آنکه رهبری، به ضرورتی، تأکید بر اجرای یک یا چند مصوبه خاص کند. در این فرض مصوبه مورد نظر ملحق به خود رهبری می‌شود و بنا بر اصل ۱۱۰ قانون اساسی بالاتر از قانونی است که توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. دوم، تأکید خاصی از جانب رهبری برای اجرای آن انجام نشده باشد. در این فرض، چهارچوب قانون اساسی آن را از قانون مجلس شورای اسلامی پایین‌تر می‌داند. پرواضح است که نمی‌توان بر این مبنا که رهبری تأکید بر تأسیس نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی یا ستاد راهبری نقشه جامع علمی کرده است را حمل بر این مفهوم کرد که نهادهای مذکور و همه مصوبات آنها ملحق به اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌شوند.

#### ۱-۲- چالش‌های پیش روی اجرایی‌سازی مصوبات ابلاغی

علاوه‌بر چالشی که در اصل قانون نبودن مصوبات شورا وجود دارد، که خود می‌تواند مهم‌ترین عامل شانه خالی‌کردن مجریان از اجرایی‌سازی آنها مطرح شود، چالش‌های دیگری هم فارغ از این چالش مذکور وجود دارد. وجود چنین چالش‌هایی را می‌توان در اجرایی‌نشدن برخی از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز مشاهده کرد. چالش‌های مورد نظر برخی از نظریه‌پردازان در جدول شماره (۱) منعکس شده است.

انقلاب فرهنگی یک تفاوت ظاهری، و درعین حال مؤثر، با شورای نگهبان قانون اساسی دارند و آن عدم تصریح در متن قانون اساسی و مشخص نبودن جایگاه دقیق حقوقی آنها در ساختار اداره کشور است. اما از آنجا که باید بین مشروعیت سیاسی (مقبولیت) و مشروعیت الهی تفکیک قائل شد،<sup>۱</sup> با وجود مستندات قرآنی (نساء، آیه ۶۰ و بقره، آیه ۲۵۷) و روایی (مقبوله عمر بن حنظله،<sup>۲</sup> توفیق شریف شیخ صدوق،<sup>۳</sup> روایت مشهور ابوخلدبجه،<sup>۴</sup> صحیح ابوالختری<sup>۵</sup> و...)، حتی عدم تصریح در متن قانون اساسی بر جایگاه نهادهای مذکور نمی‌تواند مانع جاری‌شدن مشروعیت الهی مقام رهبری به آنها شود. درعین حال صرف تأیید آن مقام، که خود در اصل ۱۱۰ قانون اساسی دارای چنین اختیاری شده است، می‌تواند به عنوان مؤید مشروعیت سیاسی (مقبولیت) آن نهادها در نظر گرفته شود. اما در

۱. مشروعیت سیاسی (legitimacy) عموماً به رأی مردم و کسب اکثریت آرای آنان بستگی دارد، اما این تعبیر بسیار خدشه‌بردار است که ذکر دلایل آن از حوصله این پژوهش خارج است. مشروعیت الهی با اجازه خداوند متعال، که حاکم مطلق جهان هستی است، جاری می‌شود که بعد از پیامبر اسلام و اهل بیت مطهرش علیهم‌السلام، برای جلوگیری از سردرگمی امت اسلامی، بر عهده مقام ولایت قرار گرفته است. این تفویض اختیار هیچ ارتباطی به اینکه مردم، به مصداقی که مقام ولایت در او تحقق یافته است، رأی بدهند یا ندهند ندارد. برای درک تفاوت این دو نوع مشروعیت به عدم اقبال مردم در دوران بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله به جانشین قطعی ایشان، حضرت علی‌بن ابی طالب علیه‌السلام، بیاندیشید. صرف عدم اقبال مردم (نبود مشروعیت سیاسی) به معنای نبود حق حاکمیت الهی (مشروعیت الهی) در امیرالمومنین علیه‌السلام نیست و ایشان، چه در دورانی که پذیرش اجتماعی نداشتند و چه در دوران پذیرش اجتماعی و قبول اداره حکومت و فارغ از آرای مسلمین، امام قطعی بعد از رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله بودند.

۲. وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، باب ۸، ص ۶۵، ح ۵۰.

۳. وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۱، ص ۱۰۱، ح ۹.

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.

۵. بحارالانوار، چاپ جدید، ۱۱۰ جلدی، ج ۶، ص ۶۰.

جدول ۱: چالش‌های پیش روی اجرایی شدن مصوبات و اسناد ابلاغی

ردیف	نظریه پرداز	چالش (های) معرفی شده
۱	هاگ و دوگان <sup>۱</sup>	بروز عوامل محیطی برون‌زا، عوامل طبیعی و وقوع حوادث غیرمترقبه
۲		عوامل سیاسی و موافقت نکردن ذی‌نفعان
۳		عدم ترکیب واقعی منابع و توجه صرف به هدف، بدون توجه کافی به ملزومات و منابع در دسترس
۴		درک نادرست از رابطه علی و معلولی دو عامل (که به تشخیص نادرست مسئله و نیاز منجر می‌شود)
۵		حرکت بدون داشتن یک تئوری مناسب در تدوین خط مشی
۶		نبود استقلال در سازمان مجری و وابستگی به سازمان‌های دیگر
۷		ابهام در اهداف سازمانی و برنامه‌ها
۸		نداشتن نظام مناسب کنترلی و ارتباطات و هماهنگی
۹		تعارضات بین‌سازمانی <sup>۲</sup> در سازمان مجری و بین سازمانی <sup>۳</sup> مجری و سایر سازمان‌ها
۱۰	سالتانا <sup>۴</sup> (۲۰۰۷)	عوامل ساختاری: عدم شناخت اهداف سلسله‌مراتبی، نبود طرح سازمانی مناسب
۱۱		عوامل نیروی انسانی: مهارت کم مجریان، مطالعه اندک مدیران، میل به طفره‌روی اجتماعی کارکنان <sup>۵</sup>
۱۲		عوامل اقتصادی: محدودیت بودجه، نبود اطمینان سرمایه‌گذاری، تمایل به رعایت برنامه بودجه مصوب
۱۳	مورگان و همکاران (۲۰۱۳: ۲۰)	نبود شناخت منظور سیاست ابلاغی
۱۴		عدم تشخیص زمان مناسب انجام فعالیت‌ها، عدم تشخیص فرد مناسب جهت ارجاع، عدم تشخیص ردیف بودجه متناسب
۱۵	بالوچ (۱۳۹۰)	هدف‌گذاری توأم با ابهام و بی‌توجهی به آثار و نتایج آنها
۱۶		ورود نامناسب و ناشایسته ذی‌نفعان در تدوین خط مشی
۱۷		نداشتن مقبولیت و نبود اجماع
۱۸		بروکراسی اداری و موانع مربوط به ابزارهای اجرایی

«مدیران اتوبوسی»، «مدیریت هزار فامیل» در فرایند جابجایی‌های بعد از پیروزی حزبی خاص در انتخابات، مؤید همین چالش است. بنافی و نوروزی (۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۷۷) عوامل مهمی را که موجبات شکاف ترجمانی بین برنامه‌ها و اسناد کلان و برنامه‌های عملیاتی را پدید می‌آورند احصاء کرده‌اند. آنها مهم‌ترین عامل را وجود شکاف در نوع و سطح نگاه به خط مشی و برنامه از جانب افراد مختلف دست‌اندرکار دانسته‌اند.

پورعزت (۲۰۰: ۱۳۸۹) بر این باور است که جایگاه نظام برنامه‌ریزی ضرورتاً باید طوری طراحی شود که بتواند، با پرهیز از جنجال‌های انتخاباتی، به اهداف ملی بیندیشد و فارغ از تعهدات حزبی تعهدات ملی و نیازهای عامه را مدنظر قرار دهد. عباراتی آشنا مانند «تغییر مدیریت»،

1. Hugh & Duggan
2. Intra organization
3. Inter organization
4. Sultana
5. Staff social loafing

عوامل دیگر هم بدین ترتیب معرفی شده‌اند: عدم فهم دقیق متن و محتوای اسناد و برنامه‌ها توسط مجریان و تحلیل‌گران خط مشی، منحرف کردن خط مشی از بستر اصلی خود به علت اقتضائات مقام اجرا و فشار پاسخگویی، فهم بخشی، متناسب با تجربه‌ها و زمینه‌های فکری، حرفه‌ای و مطالعاتی، تحمیل کردن فهم و خواسته مجریان بر نص سند به دلیل امکان برداشت چندگانه، کلی بودن بیش از اندازه، سکوت و یا عدم دلالت مستقیم و شفاف سند، استفاده نامناسب از شاخص‌های کمی و دارای آمار و عدد به علت سادگی و تسهیل نمودن فرایند پاسخگویی و عدم توجه به شاخص‌های کیفی.

با توجه به هدف پژوهش که تقسیم کار بین متولیان اصلی و همکار در اجرایی سازی مصوبات ابلاغی ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور است و با عنایت به موارد و چالش‌های پیش گفته می‌توان دغدغه اصلی پژوهش را ایجاد ضامن اجرایی برای مصوبات ابلاغی ستاد دانست. یعنی با توجه به اینکه مصوبات ستاد مذکور در حکم مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است و در نتیجه از چالش‌هایی که در راه اجرایی کردن آن مصوبات وجود دارد رنج می‌برد، به چه طریقی می‌تواند برای خود ضمانت اجرایی ایجاد کند؟ و مجریان اصلی و همکار هر مصوبه را چگونه به سمت اجرایی کردن آن تشویق و در موارد لازم مجاب کند؟

### ۱-۲-۱- مصوبه تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی (با رعایت ملاحظات آمایش سرزمین)

در این پژوهش ضمن مطالعه موردی روند اجرایی سازی سیاست‌های اجرایی اقدام ملی ۱۴ از راهبرد کلان ۶ با عنوان «تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی (با رعایت ملاحظات آمایش سرزمین)» که پیرو

تأکید مستقیم مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، در مورد ضرورت آن مصوبه<sup>۱</sup>، در جلسه ۴۷ شورای ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور تصویب شد و در تاریخ ۹۳/۰۴/۲۵ جهت اجرا به مجریان اصلی و همکار ابلاغ گردید،<sup>۲</sup> کوشش می‌شود ضمن معرفی اجمالی مصوبه مذکور و بیان ضرورت‌های آن، بر مبنای روش اجرایی سازی آن، روشی برای اجرای سایر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شود. همچنین، برخی از نکات و آموزه‌هایی که به نظر می‌رسد در اجرای سایر مصوبات نیز مطرح خواهند شد، در انتهای بحث آورده خواهد شد. جهت آشنایی با اهداف و مسائلی که منجر به تصویب و ابلاغ سیاست‌های

۱. بیانات در دیدار نخبگان مورخ ۸۶/۰۶/۱۲: نقشه جامع علمی چیز لازمی است: جایگاه علوم گوناگون، هر کدام؛ مقدار دانشجو؛ نوع دانشجو؛ جنس دانشجویان (دختر، پسر)؛ مناطق گوناگون؛ اینها باید روشن بشود؛ ما بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. این کارها البته شروع شده، لکن باید جدیت بکنید دنبال بشود.

\*\*بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها مورخ ۸۹/۰۶/۱۴: توسعه آموزش عالی باید در جهت هدف‌ها باشد. مسئولان آموزش عالی باید از توسعه غیرهدفمند به شدت پرهیز کنند، چون این هم اتلاف مال است، هم اتلاف و ضایع کردن منابع انسانی است. باید ببینیم چه لازم داریم، باید ببینیم هدف چیست و به کجا می‌خواهیم برسیم. بر اساس آن، فضای آموزشی آموزش عالی را توسعه دهیم، بنابراین، برحسب نیاز دنبال اهداف خودمان باشیم. به نظر من این مسئله خیلی حساس و مهمی است. نیازهای اصلی کشور در حوزه علوم و فناوری باید احصاء شوند؛ در زمینه علوم انسانی هم همین‌طور؛ براساس اینها برنامه‌ریزی شود؛ معلوم شود که چه تعداد دانشجو می‌خواهیم، چقدر دانشگاه می‌خواهیم، چه رشته‌هایی لازم داریم، در چه سطوحی این رشته‌ها بایستی تعلیم و تعلم پیدا کند. در این نقشه جامع علمی باید جایگاه علوم گوناگون، تعداد دانشجویان مورد نیاز و جنسیت آنان و وضعیت مناطق مختلف کشور از لحاظ علمی مشخص شود.

۲. با توجه به توضیحی که در رابطه با دو نوع از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی پیش از این مطرح شد، با وجود بیانات صریح رهبری در مورد لزوم تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی، مصوبه مذکور ملحق به اصل ۱۱۰ قانون اساسی بوده و باید بالاتر از قوانین مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته شود.

۱۲ گانه تنظیم ظرفیت موسسات آموزش عالی کشور  
 گردیده است به گزاره‌های شکل (۱) توجه فرمایید.

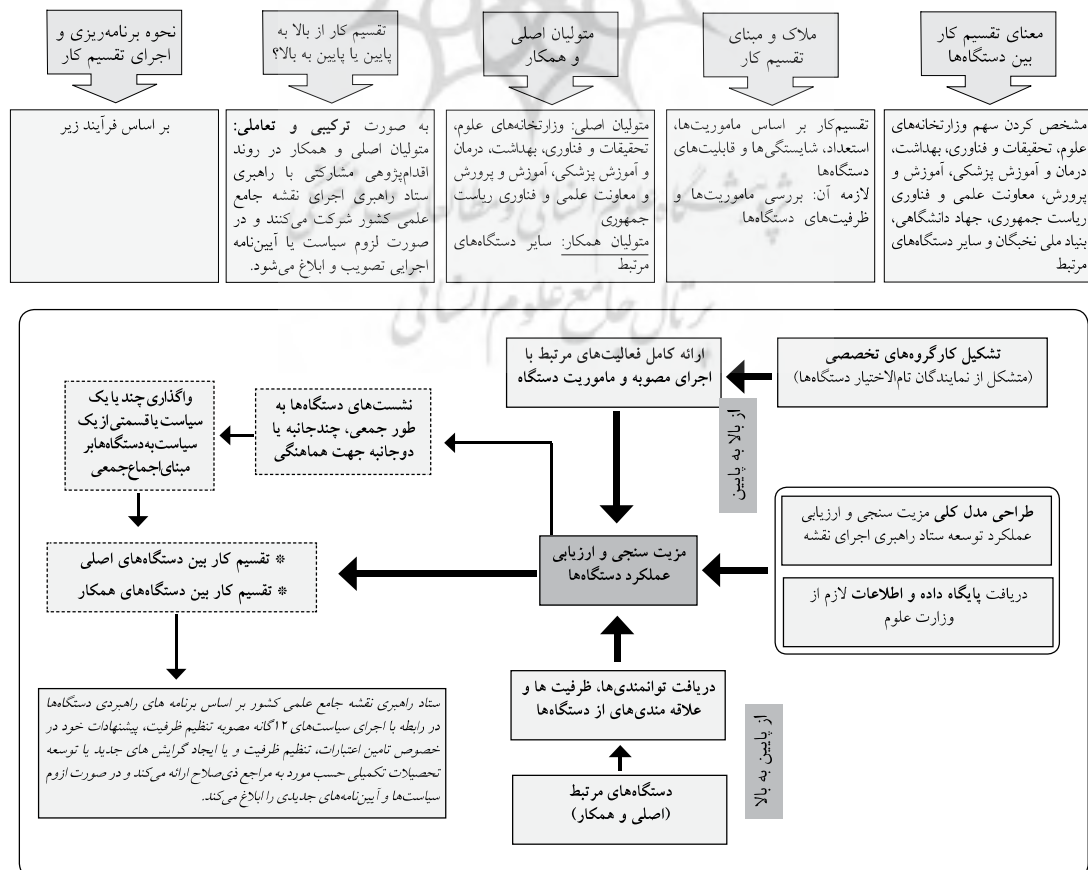


۱-۳- جایگاه مصوبه در نقشه جامع علمی کشور  
 شده است. در جدول (۲) برخی دیگر از بندهای آن  
 محتوای مصوبه به‌طور مشخص در اقدام ملی  
 نقشه، که اشاره به محتوای مصوبه مذکور دارند،  
 ۱۴ از راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور تصریح  
 احصاء شده‌اند:

جدول ۲: جایگاه مصوبه تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی در نقشه جامع علمی کشور

ردیف	جایگاه	متن
۱	اقدام ملی ۱۴، از راهبرد کلان ۶	رصد دانشی ظرفیت‌های محیطی و اقتضانات اجتماعی و تنظیم ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع و حوزه‌های مختلف علمی، متناسب با رتبه علمی آنها و نیازهای حال و آینده، براساس اصول و ملاحظات آمایش سرزمین
۲	راهبرد کلان ۷	جهت‌دهی آموزش، پژوهش، فناوری و نوآوری به سمت حل مشکلات و رفع نیازهای واقعی و اقتضانات کشور، با توجه به آمایش سرزمین و نوآوری در مرزهای دانش، برای تحقق مرجعیت علمی
۳	ردیف شماره ۸ از شاخص‌های نقشه	توزیع رشته‌ها و تناسب آن با نیازهای مناطق مختلف کشور
۴	ماده ۵ از بخش دوم، فصل پنجم	ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور موظف است، با رصد وضعیت پذیرش دانشجوی در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، سالیانه گزارش میزان نیاز کشور به این رشته‌ها و مقاطع را، با توجه به اولویت‌های ملی و تهدیدها و فرصت‌ها و امکانات کشور، تهیه کند و به همراه گزارش اقدامات خود، برای اصلاح وضع موجود، به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید.

مدل اجرایی سازی مصوبه مذکور در مدل کلی اولیه، که در شکل (۲) نمایش داده شده است، ارائه می‌شود.



شکل ۲: مدل اجرایی سازی مصوبه مذکور در مدل کلی اولیه



**۲- روش پژوهش:**

"ارزشمندی روش‌های پژوهش به اهداف و مقاصد بهره‌گیری از آنها بستگی دارد و هیچ‌کدام نمی‌تواند جایگزین دیگری شود" (هوپفل، ۱۹۹۷). بدین منظور روش‌های گوناگون کیفی و کمی شکل گرفته‌اند. استفاده از هر یک از این روش‌ها در جای خود می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از نتایج ارزشمند باشد. با توجه به هدف این پژوهش که تقسیم کار بین دستگاه‌های مرتبط، جهت اجرایی‌سازی سیاست‌های ۱۲ گانه «تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی (با رعایت ملاحظات آمایش سرزمین)»، است، این مهم نیازمند توافق بین ذی‌نفعان جهت تحقق بالای مشارکت است، برای دستیابی به نتایج عملی قابل اجرا و یافتن گستره توافقات بین ذی‌نفعان، از روش اقدام‌پژوهی مشارکتی بهره می‌بریم.

**۲-۱- روش اقدام‌پژوهی مشارکتی:**

"اقدام‌پژوهی مشارکتی<sup>۲</sup> شکلی از تحقیق است که به کارگزاران عملی این توانایی را می‌دهد که چگونگی بهبود عمل خود را، هم به صورت انفرادی و هم به صورت جمعی، و در مشارکت با همدیگر یاد بگیرند. برخی آن را نوعی تحقیق بازتابی می‌دانند که توسط مشارکت‌کنندگان در محیط اجتماعی، برای بهبود و گسترش عقلانیت در عمل و فهم،

از یک عمل خاص و زمینه<sup>۳</sup> شکل‌گیری آن انجام می‌گیرد. همراه کردن تحقیق با تغییر، با مشارکت پژوهشگر به عنوان نه تنها یک فاعل شناسا، بلکه در نقش یک مداخله‌گر در فرایند تحقیق، ویژگی برجسته این روش کیفی است<sup>۴</sup> (دنزین، ۱۹۹۸: ۲۶۴). این روش در زمره روش‌های نمادین-تفسیری است که اعتقاد به «برساخت اجتماعی»<sup>۵</sup> دارد. در واقع نمادین-تفسیریون معتقد به وجود واقعیت در بیرون از اندیشه‌های بین‌الذهانی نیستند و اعتقاد دارند جمع‌بندی نهایی در مفهوم‌سازی از یک مسئله منجر به خلق واقعیت در بین مردم می‌شود. در روش اقدام‌پژوهی مشارکتی با این پیش‌فرض همراهیم که ذی‌نفعان از یک موضوع خاص بهتر از سایرین می‌توانند دانش مورد نیاز آن را خلق کنند و در مورد آن مسئله دست به تفسیر و نمادسازی بزنند (وایت، ۱۹۹۱: ۲۷). به زبان دیگر، این روش اجازه نمی‌دهد که واقعیت در انحصار پژوهشگر باشد، بلکه واقعیت بر بستری از واقعیت اجتماعی بنیان نهاده می‌شود و به همین علت بیش از آنی که تأکید بر مشاهده، اندازه‌گیری و تحلیل‌های کمی باشد، تأکید بر خلاقیت و حل مسئله توسط توان‌یادگیرندگی پژوهشگر و همه اعضای درگیر در فرایند اقدام‌پژوهی مشارکتی است. اساساً باید دانست که پیش‌فرض جدایی عالم از معلوم نابخاست و بین این دو ارتباط بسیار محکمی وجود دارد.<sup>۶</sup>

3. Context

۴. این روش کیفی است، ولی برای تحلیل نهایی، هر فزای می‌تواند متوسل به روش‌های کیفی و کمی شود.

5. Denzin

6. Social construction

۷. ن. ک: الاشارات و التنبیها ج ۳: ۲۹۵، اسفار، ج ۳: ۳۲۴، الشفاء، الالهیات: ۴۱۹ و شرح مبسوط منظومه، ج ۲: ۱۳.

1. Hoepfl

2. Participatory Action Research

اقدام‌پژوهی مشارکتی را نباید با اقدام‌پژوهی<sup>۱</sup> (یا پژوهش عملی) و پژوهش مشارکتی<sup>۲</sup> یکسان فرض کرد؛ چراکه هریک از این روش‌ها با سطح متفاوتی از التزام و تأثیر کسانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند همراه است. در جدول شماره (۳) تفاوت‌های این سه نوع روش تحقیق منعکس شده است.

جدول ۳: مقایسه روش تحقیق اقدام‌پژوهی مشارکتی با روش‌های همسایه

ردیف	روش	هدف اصلی	نقش محقق	نتایج روش
۱	اقدام‌پژوهی	بهبود کارکردها (افزایش کیفیت نتایج فرایند و محصولات) و اعمال بعدی (محقق بل، ۲۰۰۴: ۲)	هدایت فرایندهای تشخیص مسائل، واقعیت‌ها و نظرات مشتریان و راهبری گروه پژوهشی	افزایش توانایی‌های محقق برای تشخیص درست اقدامات لازم و افزایش قوه قضاوت در موقعیت‌های پیچیده آتی
۲	پژوهش مشارکتی	به‌وجود آمدن محیط و فرایند مساعد شکل‌گیری دانش، محدود به زمینه و توسعه بومی یک تئوری، به شکلی قابل فهم و کاربردی	محقق متخصص نیست، بلکه یک همکار است: محقق و مشارکت‌کنندگان تمام فرایند را با هم طی می‌کنند و در یک فرایند مکالمه‌ای همدیگر را آموزش می‌دهند (دنزین، ۱۹۹۸: ۲۶۲).	یک دانش محدود به زمینه که دانش مشترک جدیدی را خلق می‌کند
۳	اقدام‌پژوهی مشارکتی	بهبود توانایی‌ها و عمل محققان و نیز رسیدن به اهداف عملی و تغییر واقعیت اجتماعی از طریق مشارکت گروهی	پژوهشگر استخدام می‌شود تا کنترل فرایندی را که خود سازمان آغازگر آن بوده است، به همراه مشارکت‌کنندگان، برعهده گیرد (بل، ۲۰۰۴: ۵).	ترقی و توسعه مشارکت‌کنندگان و تولید دانشی که مستقیماً کاربردی باشد (دنزین، ۱۹۹۸: ۲۶۹)

همان‌طور که از جدول فوق برمی‌آید، در روش اقدام‌پژوهی مشارکتی، تحقیق به صورت مشترک از طریق بحث میان محققان حرفه‌ای و مشارکت‌کنندگان فعال طراحی می‌شود. ایده اصلی این روش بر این مهم متکی است که درگیران در یک موضوع خاص بیش از دیگران در مورد آن می‌دانند و می‌توانند بهتر از سایرین راه‌حل ارائه دهند. با توجه به موارد گفته‌شده مشخص می‌شود که دانش بومی و تجربه در این روش بسیار مهم است (برگ، ۲۰۰۱: ۱۴). ضمن اینکه محقق نمی‌تواند کنترل کاملی بر فرایند داشته باشد و همان‌طور که از جدول فوق برمی‌آید، در روش اقدام‌پژوهی مشارکتی، تحقیق به صورت مشترک از طریق بحث میان محققان حرفه‌ای و مشارکت‌کنندگان فعال طراحی می‌شود. ایده اصلی این روش بر این مهم متکی است که درگیران در یک موضوع خاص بیش از دیگران در مورد آن می‌دانند و می‌توانند بهتر از سایرین راه‌حل ارائه دهند. با توجه به موارد گفته‌شده مشخص می‌شود که دانش بومی و تجربه در این روش بسیار مهم است (برگ، ۲۰۰۱: ۱۴). ضمن اینکه محقق نمی‌تواند کنترل کاملی بر فرایند داشته باشد و

نیز نمی‌تواند برنامه و طرحی برای تحقیق در نظر بگیرد و بر آن مٌصر باشد. البته این بدان مفهوم نیست که پژوهشگر هیچ پیش‌فرضی نداشته باشد، بلکه تأکید بر این مفهوم است که باید انعطاف در نظرات خود داشته باشد و برای حفظ نظریه و یا مدل خود به هر کوششی متوسل نشود. با این همه، لازم است پژوهشگر از روش‌های اعتبارسنجی استفاده کند تا از موضوع فاصله نگیرد. به خصوص در موقعیت‌های پیچیده‌ای که تحقیق خطوط مشخصی برای پیگیری ندارد، می‌تواند در جهت راهبری توأمان نظریه و دانش و نیل به اهداف، مفید باشد (بل، ۲۰۰۴: ۵).

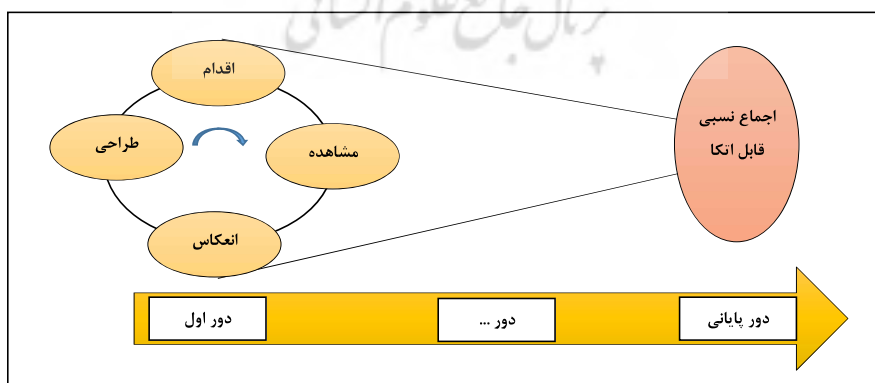
1. Action Research
2. Participative Research
3. Berg

## ۲-۲- تقسیم کار جهت اجرایی‌سازی: اجرای مراحل اقدام‌پژوهی مشارکتی

با توجه به هدف این پژوهش، که تقسیم کار بین دستگاه‌های مرتبط با اجرایی‌سازی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی است، دور‌های اجرای مراحل توضیح داده شده و با هدف پژوهش در ادامه تطبیق داده می‌شود. دورها، با حضور نمایندگان تام‌الاختیار دستگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت آموزش و پرورش، جهاد دانشگاهی و بنیاد ملی نخبگان و به محوریت ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور انجام شد. در این پژوهش از هر جلسه مشترکی که در راستای هدف پژوهش برگزار شده است به عنوان یک دور یاد شده است.

مراحل روش اقدام‌پژوهی مشارکتی، بنا بر خاصیت بازتابی آن، انتها‌باز<sup>۲</sup> است و همواره امید می‌رود در دوره‌های آتی نتایج بهتری نسبت به دوره‌های پیشین حاصل شود. هر دور شامل چهار مرحله اساسی طراحی، عمل، مشاهده و انعکاس است. در طراحی<sup>۳</sup> مشارکت‌کنندگان در تحقیق بر ناحیه تحقیق توافق می‌کنند و گزاره‌های ابتدایی آن را مشخص

می‌نمایند. در مرحله عمل<sup>۴</sup>، بر مبنای توافقات مرحله قبل، تجربیات مشاهده و ثبت می‌شوند. در مرحله مشاهده<sup>۵</sup> لازم است با توجه به احتمال خستگی یا فراموشی مأموریت یا مشارکت بیش از حد یک یا چند عضو محدود، که باعث انحراف نتایج تحقیق می‌شود، همه مشارکت‌کنندگان دسترسی لازم به تجربیات خود را فراهم آورده و عقاید قبلی خود را کنار گذاشته و از منظری جدید با تجربیات جدید مواجه شوند. در مرحله انعکاس<sup>۶</sup>، مشارکت‌کنندگان گزاره‌های ابتدایی خود را در سایه تجربیات تازه بازبینی می‌کنند که منجر به تغییر نظریات قبلی یا حتی رد آنها و ارائه فرضیات جدید می‌گردد (دنزین، ۱۹۹۸: ۲۶۶). این بازتاب‌ها تا رسیدن به حد قابل قبول، که اجماع را به همراه داشته باشد و با همراهی اکثریت اعضا مواجه گردد، پیش می‌رود. طریقه فهم اینکه آیا حد اجماع مناسبی حاصل شده است یا خیر می‌تواند از روش‌های کیفی (مانند مصاحبه) یا کمی (توزیع پرسشنامه) احصا شود (مک نیف و وایتهد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶: ۱۰۲). فرایند نزدیک شدن به اجماع در شکل شماره (۳) نشان داده شده است. همان‌طور که واضح است میزان پراکندگی در نظرات در دوره‌های آتی کاهش می‌یابد و نهایتاً به میزان قابل قبولی از اجماع منجر می‌گردد.



شکل ۴: کاهش میزان پراکندگی نظرات در دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی

4. Action
5. Observation
6. Reflection
7. McNiff & Whitehead

1. Phase
2. Open Ended
3. Planning

### ۲-۳- گزارش دوره‌های روش اقدام‌پژوهی مشارکتی

همان‌طور که پیش از این مطرح شد، این انتظار وجود دارد که در روند پیشروی دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی از میزان واگرایی بین نظرات و میزان ابهامات کاسته شود. کم‌شدن میزان واگرایی در هدف این پژوهش دقیقاً به معنای مشخص شدن وظایف هریک از مجریان و پذیرش مسئولیت اجرا توسط آنهاست. چراکه مسئولیت ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور، همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، ۱- وظیفه‌ای ستادی است و نباید از آن ستاد این انتظار برود که مسئولیت اجرایی کردن نقشه را برعهده دارد، ۲- وظیفه راهبری است و

نمی‌تواند نسبت به نحوه اجرایی‌سازی مجریان بی‌تفاوت باشد، بلکه وظایف نظارت بر حسن اجرا و سرعت اجرایی‌سازی، پایش مستمر در ضمن اجرا و بررسی پیامدهای اجرایی‌سازی مصوبات ابلاغی، وظایفی جدایی‌ناپذیر از آن است. همان‌گونه که در جدول (۳) مشخص است، روند پیشروی دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی توانسته است هدف پژوهش را محقق سازد. پیش از این نیز، اشاره شده بود که در این روش پژوهش در بستر اصلی مسئله حرکت می‌کنیم و حرکت در این بستر خود با حل شدن مسئله پژوهشی یکسان است.

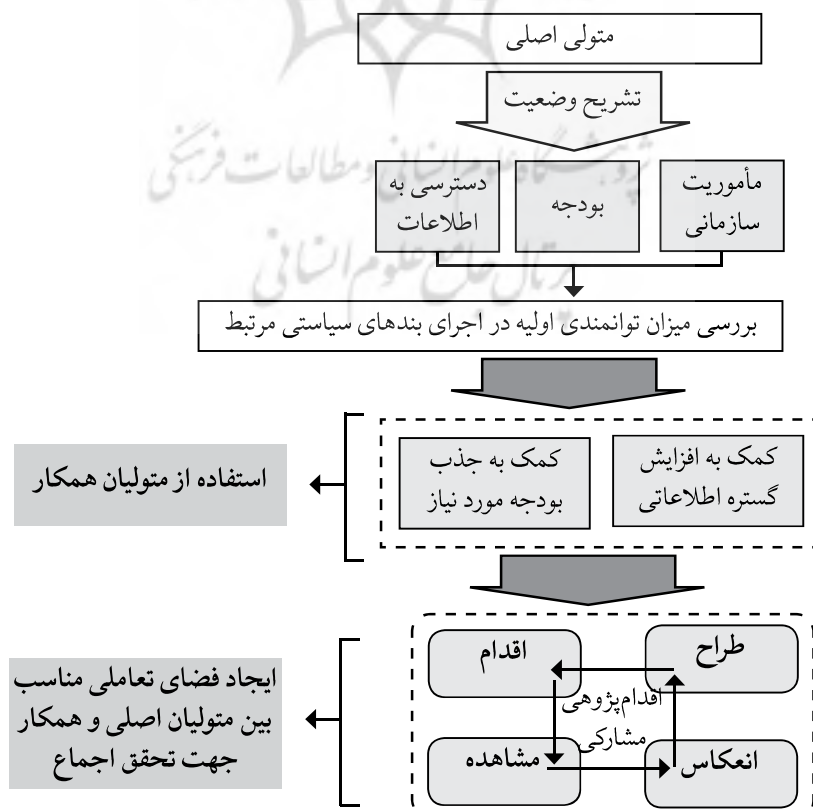
جدول ۳: روند پیشروی دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی در تقسیم کار سیاست‌های ۱۲ گانه تنظیم ظرفیت

دور	طراحی	اقدام	مشاهده	انعکاس	بررسی اجماع در دور
اول	تشریح و شفاف‌سازی نقش بنیاد ملی نخبگان، در اجرایی‌سازی سیاست‌های ۱ و ۷ مصوبه، در نقش متولی همکار	گزارش‌های اولیه مرتبط با بندهای ۱ و ۷ مصوبه توسط نماینده تام‌الاختیار آن بنیاد ارائه شد.	نمایندگان سایر دستگاه‌ها گزارش‌ها را متناسب با بندهای سیاستی مورد نظر نقد کردند و سوء برداشت نمایندگان از ایفای نقش بنیاد در بندهای سیاستی دیگر مرتفع شد.	ملزم شدن وظیفه اجرای بندهای ۱ و ۷ به طور مشترک به بنیاد ملی نخبگان، معاونت علمی و فناوری، وزارت آموزش و پرورش و جهاد دانشگاهی	اجماع بر متولیان بندهای سیاستی ۱ و ۷ صورت گرفت و بندهای ۲ تا ۶ و ۸ تا ۱۲ بر عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گذاشته شد.
دوم	وضعیت کنونی اجرایی‌سازی سیاست‌های اجرایی اقدام ملی ۱۴ از راهبرد کلان ۶ مربوط به تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	گزارش کاملی از فعالیت‌های وزارتخانه توسط نماینده تام‌الاختیار آن، در مورد اقدامات صورت‌گرفته مرتبط با سیاست‌های ابلاغی، تشریح شد.	نمایندگان سایر دستگاه‌ها پیشبرد سیاست‌ها توسط آن وزارتخانه را تأیید کردند.	ملزم شدن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به تنظیم و ارائه «آیین‌نامه گسترش جغرافیایی آموزش عالی سلامت در جمهوری اسلامی ایران» به ستاد راهبری نقشه، جهت انطباق با سیاست‌ها و تصویب آن	نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با توجه به مسائل بودجه‌ای و سیاسی، امکان اجرای اقدامات مشابه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را با احتمال ضعیف عنوان کرد.

دور	طراحی	اقدام	مشاهده	انعکاس	بررسی اجماع در دور
سوم	هماهنگی بیش از پیش دستگاه‌های اجرایی در مورد انجام سیاست‌های ۱۲ گانه ابلاغی تنظیم ظرفیت	نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به بیان مشکلات بودجه‌ای و ملاحظات سیاسی انجام سیاست‌های ابلاغی در دانشگاه‌های تحت نظر آن وزارتخانه پرداخت و اجرای سیاست‌های ۲ تا ۶ و ۸ تا ۱۲ را منوط به اجرای بندهای ۱ و ۷، قبل از آن بندها، دانست.	اعضای حاضر، ضمن تأیید دشواری انجام سیاست‌ها، بر ضرورت روزافزون اجرایی‌سازی آنها تأکید کردند و هزینه‌های عدم اجرای سیاست‌ها را در طولانی مدت پرهزینه‌تر دانستند.	۱- ملزم شدن وزارت بهداشت به تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی لازم، با در نظر گرفتن افق‌های زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، در خصوص اجرایی‌سازی اقدام ۲- ملزم شدن وزارت علوم، معاونت علمی و جهاد دانشگاهی به برگزاری جلساتی، با محوریت وزارت علوم، در خصوص نحوه اجرایی‌سازی اقدام‌های ۱ و ۷ ۳- ملزم شدن جهاد دانشگاهی و معاونت علمی به انجام پژوهش‌های لازم در خصوص آمایش سرزمینی	تشکیل کارگروه اجرایی‌سازی مصوبه تنظیم ظرفیت، با حضور همه نمایندگان تام‌الاختیار دستگاه‌ها
چهارم	بررسی روند تقسیم کار در اجرای بندهای ۱ و ۷ سیاست‌های ابلاغی تنظیم ظرفیت	پروپوزال پیشنهادی جهاد دانشگاهی در مورد فازهای انجام پروژه ارائه شد.	نمایندگان دستگاه‌ها حجم مطالعاتی و نتایج مورد نظر پروپوزال مذکور را بسیار فراتر از ضرورت مورد نیاز در بندهای ۱ و ۷ دانستند و با توجه به برآورد بودجه‌ای بسیار زیاد آن پروژه، خواستار تجدید نظر اساسی در آن شدند.	مقرر شد نماینده تام‌الاختیار جهاد دانشگاهی صرفاً پروپوزال آن دستگاه را محدود به احصای نیازهای اعلام شده در بندهای ۱ و ۷ نماید و متناسب با کاهش تعهدات پروپوزال، بودجه درخواستی برای آن را نیز به شدت کاهش دهد.	نماینده جهاد دانشگاهی، ضمن پذیرش محدودیت بودجه، نسبت به کاهش تعهدات پروپوزال و ایجاد تناسب ۱۰۰٪ با بندهای ۱ و ۷ اطمینان داد.

دور	طراحی	اقدام	مشاهده	انعکاس	بررسی اجماع در دور
پنجم	بررسی روند تقسیم کار در اجرای بندهای ۱ و ۷ سیاست‌های ابلاغی تنظیم ظرفیت	پروپوزال بازنگری شده جهاد دانشگاهی ارائه شد.	پروپوزال مورد نظر تأیید شد.	معاونت علمی ریاست جمهوری به عنوان کارفرما، جهاد دانشگاهی به عنوان مجری و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان همکار آنها (به عنوان ذی‌نفع مستقیم در تأمین مالی و نیز در اجرا، در مواقع لزوم مشارکت کند) و ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور به عنوان ناظر تعیین شدند.	اجماع شد که، متولیان اصلی اجرایی‌سازی بندهای ۱ و ۷، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و جهاد دانشگاهی هستند.

بعد از دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی، پژوهشگران به این جمع‌بندی رسیدند که ورود مجریان همکار در فرایند بسته به دو عامل مهم «دسترسی به اطلاعات» و «میزان بودجه» در متولیان اصلی است. لازم به ذکر است که مجریان اصلی بر مبنای مأموریت سازمانی خود به عنوان مجری اصلی انتخاب شده‌اند و لازم است در فرایند اجرایی‌سازی نیز همواره به مأموریت سازمانی آن دستگاه توجه کافی شود تا تکالیفی غیر مرتبط با مأموریت آن به ایشان محول نشود.



شکل ۵: روند استفاده از مجریان همکار در اجرای مصوبات

آن نماینده می‌شد. بنابراین، باید کوشید تا جای ممکن هیچ عضوی در جلسه غایب نباشد.

۲. در برخی مواقع، به‌خصوص زمانی که مباحث بودجه و تأمین مالی اقدام مورد بحث قرار می‌گرفت، حتی با وجود حضور نماینده تام‌الاختیار دستگاه در مراحل تصمیم‌گیری و پذیرش کامل او و ثبت اجماع به‌عنوان مصوبه جلسه، مسئول بالادستی نماینده مذکور، بعد از اطلاع از آن مصوبه، از پذیرش آن خودداری می‌کرد و آن وظیفه را بر عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، که مجریان اصلی محسوب می‌شدند، می‌دانست. در چنین مواردی نیز، اگرچه نتیجه اجماع کاملاً پذیرفته نمی‌شد، اما تأثیر چشمگیری بر تصمیم آن مقام بالادستی داشت و او نیز اقدام‌های بعدی خود را تا حدی متأثر از نتیجه جلسه شکل می‌داد.

۳. بسترسازی رسانه‌ای سرعت قابل توجهی به پیشرفت جلسات و رسیدن به حد بهینه و مورد اجماع تقسیم کار بین دستگاه‌ها می‌داد. ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور تلاش داشت، به لحاظ اثباتی، متولیان را به سمت اجرای مصوبه ابلاغی تنظیم ظرفیت سوق دهد. نمونه بارز این تلاش‌ها در هماهنگی با رسانه‌های جمعی، به‌خصوص رسانه ملی، برای طرح دستاوردهای مرتبط هرکدام از دستگاه‌ها در اجرای مصوبه مذکور بود. این فرصت‌های رسانه‌ای با استقبال دستگاه‌ها روبه‌رو شد؛ زیرا علاوه بر طرح مسایل مرتبط با مصوبه، می‌توانستند نتیجه تلاش‌های خود را با زبان خود بیان کنند و مورد شناسایی مردم ایران قرار بگیرند.

۴. ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور

هرچند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌واسطه تصدی همزمان سیاست‌گذاری، آموزش، اجرا و کاربری در بخش سلامت، اولویت خود را تخصیص بودجه برای تنظیم ظرفیت دانشگاه و مؤسسات زیر نظر خود قرار داده و به توفیقاتی نیز در این مهم دست یافته بود، اما محدودیت در بودجه برای انجام پژوهش‌های مورد نیاز جهت اجرایی‌سازی مصوبه، در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به‌عنوان یکی از متولیان اصلی اجرایی‌سازی موجب شد تا معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و جهاد دانشگاهی برای جبران آن محدودیت وارد شوند. نحوه تعامل مجریان همکار با مجریان اصلی، از طریق انجام دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی، در شکل شماره (۵) نمایش داده شده است.

### ۳- بیان آموخته‌ها

پژوهشگران که، مطابق اصول حاکم بر اقدام‌پژوهی مشارکتی، خود را در این فرایند «یادگیرنده» می‌دانستند، در فرایند پژوهش به آموزه‌های کلی زیر دست یافتند:

۱. با اینکه تلاش حداکثری پژوهشگران در فرایند اجرای دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی بر شرکت همگانی در مرحله پیش از تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری و بعد از آن بود، اما اغلب حضور همزمان همه متولیان (اصلی و فرعی) در یک جلسه، به علت مشغله‌های زیاد اعضای جلسه، مقدور نبود و به همین سبب تصمیم‌های اتخاذشده در هر جلسه تا حدی مورد مخالفت نماینده غایب قرار می‌گرفت و مدتی از وقت جلسه صرف توجیه

#### ۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کوشیده شد تا با تکیه بر روش اقدام‌پژوهی مشارکتی نسبت به راهبری اجرای مصوبه ابلاغی تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی اقدام گردد. پیرو رایزنی‌ها و نامه‌نگاری‌های متعدد (که در تجربه‌های راهبری سایر مصوبات نیز به کار گرفته می‌شد) و در راستای ارتقای میزان هماهنگی و التزام مجریان به اجرایی‌سازی سیاست‌های ۱۲ گانه مصوبه مذکور، اقدام به برگزاری جلسات مشترک (پنج جلسه) گردید که در هر مرحله، با مفروض دانستن توافقات اجماع مراحل قبل، نسبت به راهبری گام بعدی تا پایان مشخص کردن وظایف و تکالیف هر کدام از دستگاه‌های مجری اقدام شد. به صورت سنتی، سیاست‌گذاری در کشور بصورت عمودی، دستوری و غیرمشارکت‌جویانه است که در این پژوهش تلاش گردید فرایند مذکور در سطحی بالاتر و با مشارکت مجریان اصلی و همکار اجرایی گردد. با اجرای دوره‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی، مشارکت همه مجریان در فرایند تصمیم‌گیری، برای تقسیم کار سیاست‌های ۱۲ گانه ابلاغی تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی (با ملاحظات آمایش سرزمین) و بالابردن تعهد نسبی مجریان در امر اجرا حاصل شد. مهم‌ترین مزیت این روش، جلوگیری از مقاومت‌های مجریان در برابر ابلاغیه‌ها خواهد بود که در روش اجرایی‌سازی سنتی که قائل به صرف ابلاغ سیاست‌ها، بدون در نظر گرفتن مشارکت مجریان است، همواره بروز می‌کند. البته، این روش نیز از بالابودن هزینه‌های اجرا و ارزیابی در رنج است و لازم است در مورد

کوشید ضمن رایزنی مکتوب با وزرا و رؤسای هر کدام از دستگاه‌ها، با سطوح مختلف مدیریتی تصمیم‌ساز هم وارد مذاکره شود. ستاد مذکور در ادامه اصرار عملی بر شکل‌گیری دوره‌های اجرای اقدام‌پژوهی مشارکتی با مشارکت مدیران میانی و تصمیم‌ساز دستگاه‌ها نمود. نتیجه نسبتاً مقبول این تجربه نشان داد که پیگیری اجرای مصوبات دیگر نقشه جامع علمی کشور نیز باید حسب مورد با چانه‌زنی با مدیران عالی دستگاه‌ها و مذاکرات اجماعی با نماینده‌های معتمد آنان همراه باشد.

۵. رایزنی‌های قبل از جلسات و همراه کردن برخی از آن اعضا، روند نتیجه‌گیری جلسات را بسیار سرعت می‌بخشید. در رایزنی‌های قبل از جلسات به نماینده دستگاه اطمینان داده می‌شد که نتیجه‌ای که حاصل خواهد شد، در بردارنده ملاحظات مورد تأکید او خواهد بود و از او خواش می‌شد که از طرح مسائل حاشیه‌ای دیگر، که ممکن بود اصل نتیجه را تحت شعاع قرار دهد، خودداری کند.

۶. قبل از هر جلسه تلاش می‌شد که سناریوهای مختلفی که ممکن بود اتفاق بیفتد شناسایی شده و اقدامات متناسب با آن، در حین جلسه و بعد از آن، پیشاپیش مهیا گردد. این آمادگی اغلب نمایانگر مدیریت بالای ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور در وظیفه راهبری خود بود و رضایت اعضای جلسه را از ادامه یافتن جلسات به همراه داشت.



نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹). نقشه جامع علمی کشور. قابل دسترسی در وبگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی: [iranculture.org](http://iranculture.org).  
 وایت، ویلیام فوت (۱۹۹۱). پژوهش عملی مشارکتی. ترجمه محمد علی حمید رفیعی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ اول: ۱۳۷۸.  
 هوور، استوارت (۱۳۸۱). بازانادیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).

Bell, John.(2004). *Comparative Similarities and Differences between Action Research, Participative Research, and Participatory Action Research*. Antioch University Seattle.

Berg, Bruce L.(2001). *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*. Allyn and Bacon.  
 Denzin, Norman K. & Lincoln, Yvonna S.(2000). *The SAGE Handbook of Qualitative Research*. Sage Publication, Inc.

Denzin, Norman K. & Lincoln, Yvonna S.(1998). *Strategies of Qualitative Inquiry*.Sage Publications, Inc.

McNiff, John & Whitehead, Jack.(2006). *All You Need to Know About Action Research*. Sage Publication, Inc.

Sultana, R. (2007). The challenge of policy implementation: A comparative analysis of vocational school reforms in Albania, Kosovo and Turkey. *Peer Learning, Italy: European Training Foundation*. pp.1- 76

سطوح بالاتری از فرایندهای تصویب، ابلاغ، اجرا و ارزیابی مصوبات ابلاغی به تأمل نشست. سطوحی که، ضمن برخورداری از مزیت‌های گفته‌شده، با مکانیزم‌هایی چون خودکنترلی و شفافیت هزینه‌های مذکور را کاهش دهد. به نظر می‌رسد، برای اجرایی‌سازی دقیق و به‌موقع مصوبات، استفاده از تحریک انگیزه‌های کنشگران پرفایده خواهد بود.

### منابع

بالوچ، مجتبی (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فرایند خط مشی‌گذاری و تدوین راهبردهای کلان نظام اداری کشور. پژوهش‌نامه علوم راهبردی. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی: ۱۲۱-۱۳۹.  
 بنافی، مسعود و نوروزی محمد (۱۳۹۳). تحلیلی آسیب‌شناسانه از ترجمان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های عملیاتی: ملاحظاتی سیاستی. برنامه‌ریزی و بودجه. سال ۱۸، شماره ۴: ۱۶۱-۱۹۵.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). مدیریت راهبردی عصر مدار. تهران. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

ذوالفقارزاده، محمد مهدی و نوروزی خلیل (۱۳۹۱). نظام علمی مانا: پیشنهادی برای حفظ پایایی روابط میان دانشگاه، صنعت، دولت و ملت در جمهوری اسلامی ایران. مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال اول، شماره ۳: ۳۷۹-۴۰۰.

سعیدی، علی (۱۳۹۰). اقتصاد و رسانه. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). طراحی و تبیین مدل نهادی کردن برنامه‌های راهبردی جامعه از طریق رسانه‌های جمعی: مورد سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران. دانش مدیریت. دوره ۲۰، شماره ۷۹، زمستان ۱۳۸۶: ۵۳-۷۲.

مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجاللی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مورگان. مارک، لویت، ریموند و مالک، ویلیام (۱۳۸۹). اجرای استراتژیک. ترجمه سید محمد اعرابی و رحیم زارع. تهران: پژوهشکده سما.

ناظمی اردکانی؛ نوروزی، محمد؛ نوروزی، خلیل؛ اسکندری، علی و مهرعلی، حسین (۱۳۹۳). شناسایی ظرفیت‌های رسانه ملی در تبیین و تحقق سیاست‌های کلان نظام. دوفصلنامه دین و ارتباطات. شماره ۴۵.



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار